

بررسی عملکرد اجتماعی، اقتصادی تعاونیهای کشاورزی مشاع و نقش آن در توسعه کشاورزی

● محمود جمعه پور

زمین، مالکیت، نظام بهره‌برداری و شیوه تولید در میان باشد، علاوه بر بعد اقتصادی، دارای طیف وسیع اجتماعی و سیاسی است و نقش شرایط محیطی نیز در آن به خوبی آشکار است. با توجه به ویژگی کشاورزی که نمودی از رابطه انسان با محیط است و وابستگی شدید کشاورزی به عوامل جغرافیایی و ابعاد مختلف آن، بر جغرافیدانان است که نقش مهمی در بررسی مسائل کشاورزی و شناخت قابلیت‌های موجود در این زمینه، نظام بهره‌برداری و شیوه تولید و تفاوت‌های موجود میان نظام‌های مختلف بهره‌برداری در سطح مناطق مختلف را برعهده گیرند. در واقع، چند بعدی بودن و گستردگی مسائل کشاورزی نیاز به دیدی کلی نگر و چند جانبه و در عین حال عمیق دارد، که بتواند، ارتباط لازم بین پدیده‌ها و عوامل را ایجاد نماید و این مهم بیشتر از علم جغرافیا، که کلی‌نگری و چند بعدی بودن از ویژگی آن است، برمی‌آید.

خسوفها را پیش‌بینی کنیم، اما از وقوع یک انقلاب عاجزیم^(۱) اغلب این نظرات، از دیدگاه‌های مختلف و با نگرشی یک سویه، به کشاورزی ابراز شده و کمتر جامع نگر و در برگیرنده تمام ابعاد مسائل کشاورزی بوده است. به هر حال، صرف نظر از دیدگاه‌های متفاوت درباره کشاورزی، از این نظر که کشاورزی منبع تأمین مواد غذایی جمعیتی شدیداً فزاینده است، قسمت عمده‌ای از منابع اولیه مورد نیاز بخش صنعت را تأمین می‌نماید و قسمت عمده‌ای از جمعیت فعال در این بخش فعالیت دارند، از اهمیت و جایگاه خاصی، در اقتصاد کشور، برخوردار است. با توجه به این مهم بدون شک، کسب توسعه اقتصادی بدون توسعه بخش کشاورزی در کشور ما، ناممکن خواهد بود و دستیابی به توسعه متناسب در کشاورزی نیز، در درجه اول نیاز به مطالعه و شناسایی قابلیت‌های کشاورزی و مسائل گوناگون آن در سطح مناطق مختلف کشور دارد. اصولاً مسأله کشاورزی، بویژه هنگامی که بحث از

● مقدمه

جایگاه کشاورزی در اقتصاد کشور کجاست؟ نقش کشاورزی در توسعه ملی چیست؟ پتانسیل‌های کشاورزی مملکت در چه سطحی قرار دارند؟ آیا کشاورزی می‌تواند، محور توسعه قرار گیرد؟ قابلیت‌های کشاورزی در سطح مناطق چگونه است؟ ساختار مناسب برای کشاورزی چیست؟ چه نظام تولیدی کشاورزی در سطح مناطق طبیعی سازگاری و انطباق بیشتر با محیط و کارایی بالاتری دارد؟ این مسائل و دهها مسأله دیگر درباره کشاورزی این مرز و بوم، سوالاتی هستند، که هنوز پاسخ قانع کننده‌ای نیافته‌اند. و نظرات متفاوت و گاه متناقض، در پاسخ به آنها ابراز می‌گردد. شاید این امر، به دلیل پیچیدگی مسائل کشاورزی و گستردگی ابعاد انسانی و اقتصادی آن باشد. مسائلی که کلیت و عدم قطعیت، ویژگی بارز آن است و تحت شرایط متفاوت، ساز و کار متفاوتی دارد. (چنانکه آن را این در مورد پیچیدگی مسائل انسانی می‌گویند: چرا طی قرن‌های متمادی توانسته‌ایم،

● طرح موضوع: استراتژی توسعه بخش کشاورزی

شرایط محیط طبیعی حاکم بر این مرز و بوم، در طول تاریخ زندگی بشر، باعث پیدایش و تکوین نظامهای بهره‌برداری و شیوه‌های معیشتی شده‌است، که حداکثر انطباق و سازگاری با محیط جغرافیایی خود را داشته‌اند. شاید، بتوان گفت: با فرض ثابت بودن سایر

شرایط، بهترین شیوه‌های بهره‌برداری در محیط جغرافیایی خود بوده‌اند. بوجود آمدن نظامهای تولید

گروهی و همکاری و تعاون سنتی در زراعت، آبیاری و دامداری و نظامهای مدیریت سنتی در زمینه‌های مختلف تولیدی، اقتصادی و اجتماعی، همگی بیانگر پیدایش سازگاریهایی در جهت تعدیل شرایط سخت محیطی و برقراری رابطه معقول و منطقی با محیط طبیعی است. به عبارت دیگر، محدودیتهای جغرافیایی و کمبود شدید باره‌ای از عوامل تولید کشاورزی، در قسمت اعظم فلات ایران، هرگونه تولید انفرادی را مشکل و گاه ناممکن می‌ساخته است، و بهره‌برداران کشاورزی در سطوح و اشکال مختلف را، ناگزیر به همکاری با همدیگر و شکل بخشی واحدهای تولید گروهی می‌کرده است. واحدهایی که در عین سادگی، کارکرد دقیقی داشته و از پیچیدگی خاصی برخوردار بوده‌اند؛ بررسی وضعیت کشاورزی و حیات روستایی در گذشته، گویای این واقعیت است.

تمام خصوصیات اقتصادی و اجتماعی و فنی کشاورزی ایران ناشی از محدودیت میزان آب است. متوسط بارندگی سالیانه ایران، سواحل بحر خزر، حدود ۲۰۰ تا ۴۰۰ میلیمتر است. به علاوه، توزیع آب در فصول مختلف سال نیز، یکسان و مرتب نیست. تشکیل شدن واحدهایی به اسم ده در ایران نیز، ناشی از همین خصوصیت طبیعی است. یعنی تشکیل واحدهایی بر مبنای استفاده از قنات و طرز آبیاری خاصی که مبتنی بر محدودیت آب است. واحدهایی که برچنین بنیادی در طی قرون و اعصار بوجود آمده‌اند و بالمآل نوعی سازمان تعاونی را در ده ایجاد کرده‌اند، دارای چنان سازمانی هستند که می‌توانند حداکثر بهره‌برداری از عوامل تولیدی را تأمین کنند.

● بوجود آمدن نظامهای تولید گروهی و همکاری و تعاون سنتی در زراعت، آبیاری و دامداری و نظامهای مدیریت سنتی در زمینه‌های مختلف تولیدی، اقتصادی و اجتماعی، همگی بیانگر پیدایش سازگاریهایی در جهت تعدیل شرایط سخت محیطی و برقراری رابطه معقول و منطقی با محیط طبیعی است.

در این شکل، یک ده، یک واحد سازمان یافته اقتصادی است که تشکیلات داخلی آن از قبیل بنه، نسق‌بندی و غیره در طی قرن‌ها توانسته است که بهترین شکل ممکن همکاری را در زمینه تولید روستایی فراهم کند^(۲) به عبارت دیگر، از اثرات مهم توزیع آب در جامعه روستایی ایران، پدید آمدن همکاری میان کشاورزان ایران است. در بسیاری از موارد، این تعاون و همکاری از حدود واحدهای زراعی تجاوز می‌کند و امور دیگر را نیز در بر می‌گیرد. تعاون در امور کشت، به خصوص در نواحی خشک، فراوان دیده می‌شود.^(۳) بررسی اشکال مختلف نظامهای بهره‌برداری کشاورزی سنتی چه در قالب نظام عمده مالکی و بهره‌برداری ارباب و رعیتی و چه در قالب نظام خرده مالکی و بهره‌برداریهای دهقانی، گویای وجود نوعی سازمان و شیوه تولید مبتنی بر تعاون و تولید گروهی می‌باشد. بررسیهای سالهای اخیر، نشان می‌دهد که در بیشتر دهات، مناطق شرقی و فلات مرکزی و در قسمتهایی از جنوب کشور با این که اندازه زمین کشاورزان کوچک است اما از دیرباز، بنا بر سنن زراعی متداول، اکثر خانوارهای زارع در گروههایی که به بنه، حراثت و صحرا مشهور است، متشکل می‌شده و به صورت دسته جمعی، امر کاشت، داشت و برداشت را انجام می‌دهند. حسن عمده چنین شکل و سازمانی با توجه به محدودیت آب و کوچک بودن قطعات زراعی، فراهم آوردن امکان استفاده منطقی تر از منابع تولید، با تشکیل واحد بهره‌برداری در حد متوسط و تثبیت امور زراعی ده است.^(۴)

حال با توجه به بحث فوق، چه الگویی برای توسعه بخش کشاورزی، می‌توان پیشنهاد کرد، که از یک سو، با شرایط طبیعی، اقتصادی و اجتماعی حاکم بر این سرزمین، سازگار باشد و از سوی دیگر، از کارایی و بهره‌وری بالایی برخوردار باشد و ما را در رسیدن به خودکفایی کشاورزی یاری نماید. توسعه کشاورزی، از طریق ایجاد واحدهای بزرگ بهره‌برداری شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تاریخی با محدودیتهای شدیدی مواجه است. واحدهای بهره‌برداری کوچک دهقانی نیز، که در حال حاضر، عمده‌ترین شکل بهره‌برداری در کشاورزی است، به دلیل کوچک بودن قطعات و سنتی بودن آنها و محدودیتهای فنی، نمی‌تواند تولیدی بیش از حد معاش خانوار کشاورز را تأمین نماید و به دلیل پیچیده بودن مسأله مالکیت، امکان یکپارچگی آنها نیز، در شرایط عادی وجود ندارد.

بنابراین، آنچه به نظر می‌رسد، دستیابی به توسعه، از طریق ایجاد واحدهای تعاونی و احیاء و تقویت واحدهای تولید گروهی سنتی با ایجاد تغییرات ساختاری متناسب با شرایط امروزی در آنها می‌باشد. با احیاء و تقویت نظامهای تولید گروهی سنتی، البته به شکل تحول یافته آن، به ویژه در مناطقی که سابقه کار گروهی وجود دارد، می‌توان بسیاری از مشکلات واحدهای بهره‌برداری دهقانی، از جمله کوچک بودن قطعات را حل نمود. کاری که در گذشته، به طور خودکار در نظام تولید کشاورزی عمل می‌کرده است. اساس این فکر، بر این استوار است که به دلیل نناسب و سازگاری این شیوه تولید با مشخصات اقلیمی، ارزشها و طرز تفکر کشاورزان و وجود پیش زمینه‌های ذهنی در مورد آن، در بین روستاییان، می‌تواند با موفقیت بیشتری همراه باشد و مسئله‌ای ناشناخته و غیر مانوس برای دهقانان نیست.

در مورد اراضی جدید نیز، با ایجاد این واحدهای تعاونی، می‌توان هم از مزایای واحدهای بزرگ یعنی کشت گسترده و کشاورزی جدید و هم از مزایای واحدهای کوچک، یعنی کاربر بودن آنها، استفاده کرد. تعاونیهای کشاورزی مشاع نیز، که بعد از انقلاب در زمینهای کشاورزی جدید ایجاد شدند، به منظور



تعاونی تولید است که در آن زمین مشترکاً، در اختیار گروهی از افراد قرار داده می‌شود، تا به طور دسته جمعی، تحت سازمانی معین، از آن بهره‌برداری نمایند و محصول یا عواید سالیانه آن نیز، به نسبت کار

و حصه‌ای که اعضاء از زمین و سایر عوامل دارند، تقسیم می‌شود. اهداف عمده تشکیل این واحدها را، می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:^(۸)

- ۱- تسهیل توسعه کشاورزی و افزایش تولیدات کشاورزی، در رابطه با حصول به خودکفایی و استقلال اقتصادی.
- ۲- توسعه و ترویج فعالیتهای تعاونی و ایجاد و افزایش انگیزه‌های مشارکت در کارهای کشاورزی.
- ۳- جلوگیری از قطعه قطعه شدن اراضی و جلوگیری از اتلاف منابع آب و خاک کشور.
- ۴- زمین‌دار کردن روستاییان بی‌زمین، به منظور حمایت از این قشر روستایی.
- ۵- استفاده بهتر از ماشین‌آلات کشاورزی و سهولت در عرضه خدمات کشاورزی.

البته تعاونیهای مشاع که امروزه تشکیل می‌گردد، با آن چیزی که در ابتدای کار، مورد نظر بود، تفاوتی دارد. براساس دستورالعمل تشکیل تعاونیهای مشاع، حداقل در تئوری این طور بود که اعضای تعاونیهای مشاع، موظف بودند، مشاع بودن را در همه امور کاشت، داشت و برداشت، رعایت کنند.^(۹) ولی در عمل، ایجاد تعاونیهای مشاع با مشکل مواجه گردید و در بسیاری از موارد، زمینها افزاز و کشت به صورت فردی انجام می‌گیرد.

● مطالعه اجتماعی و اقتصادی واحدهای تعاونی مشاع در سطح شهرستان تربت حیدریه

■ وضعیت کشاورزی در منطقه

در مطالعه پدیده‌ها، به ویژه از دیدگاه جغرافیایی، قبل از هر چیز، پراکندگی فضایی و مکانی پدیده و جایگاه و اهمیت آن در شکل‌دهی فضای جغرافیایی، مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد. در اینجا، نیز قبل از ورود به موضوع اصلی مورد بحث، اشاره کوتاهی به جایگاه کشاورزی در منطقه مورد نظر می‌کنیم. به طور

● تعاونیهای تولید گروهی کشاورزی مشاع

واژه مشاع در لغت به معانی مختلف، از جمله: سهمهای بخش ناکرده و جدانشده، از حصه دیگری یا دیگران آمده است.^(۱۰) در کتاب مالک و زارع در ایران، در مورد مشاع چنین آمده است: در صورتی که ده، مالک مشترک داشته باشد، آن را به نام ملک مشترک که به اصطلاح مشاع خوانده می‌شود، ثبت می‌کنند.^(۱۱) به نظر می‌رسد، فکر واگذاری اراضی به صورت تعاونی گروهی، منبعت از شیوه تولید گروهی (بنه، صحرا و ...)، در گذشته برخی از روستاهای ایران می‌باشد، که بعداً به منظور توجیه مخالفان، خصوصاً کسانی که بر این شیوه تولید ایراد شرعی می‌گرفته‌اند: واژه مشاع را، مترادف و حتی به جای بنه یا تولید گروهی، به کار بردند. در حالی که، آنچه به عنوان مشاع، ترویج شده است، به هیچ وجه واجد ویژگیهای بنه یا واحد تولید گروهی سنتی نیست. ممکن است، از لحاظ کار مشترک زارعین مشابه باشد، ولی از سایر جهات تفاوتی اساسی دارد.^(۱۲)

به طور کلی، واحدهای بهره‌برداری مشاع، گونه‌ای

رسیدن به هدف فوق و با الهام از نظامهای تولید گروهی سنتی شکل گرفتند. البته، هر گونه پیشنهادی در زمینه راهبردهای توسعه کشاورزی باید با در نظر گرفتن تفاوتی شدید جغرافیایی و سنین متنوع در سطح مناطق مختلف کشور و با توجه به هدفهای توسعه کشاورزی، برای استفاده منطقی و در حد تناسب بهره‌وری از منابع صورت گیرد. همچنین، هر گونه طرحی برای توسعه کشاورزی، باید با توجه به ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مسائل کشاورزی عرضه شود. به عبارت دیگر، میزان موفقیت هر طرح توسعه کشاورزی، به میزان توجه آن به تفاوتی مکانی در سطح مناطق و توجه به ابعاد مختلف مسائل کشاورزی بستگی دارد.

هدف ما از بررسی تعاونیهای مشاع که به آن خواهیم پرداخت، این است که ببینیم، آیا تعاونیهای مشاع می‌توانند به عنوان یک نظام گروهی مطرح باشند و خلاء موجود در کشاورزی کشور مبنی بر عدم وجود سازمان تولیدی مناسب را پر نمایند؟ این واحدها در رسیدن به اهداف خود، تا چه اندازه موفق بوده‌اند و دلایل موفقیت یا عدم موفقیت آنها در چیست؟

کلی، عمده‌ترین فعالیت اقتصادی در سطح شهرستان تربت حیدریه و همیشه غالب منطقه راه کشاورزی تشکیل می‌دهد. عوامل و شرایط جغرافیایی و طبیعی، در گذشته، شرایط مناسبی برای ایجاد و حفر کاریز به وجود آورده و کشاورزی در منطقه، از گذشته اهمیت و رواج فراوانی داشته است. نگاهی به اساسی آبادیهای شهرستان، که نام تعداد زیادی از آنها با کاریز همراه است، از یک سو، نشانگر فراوانی قنوت و شرایط مساعد برای ایجاد قنات و از سوی دیگر، نشان‌دهنده سابقه و اهمیت کشاورزی در منطقه می‌باشد.

نوع کشاورزی غالب، در منطقه، کشاورزی معیشتی و خرده مالکی است، که حتی قبل از اصلاحات ارضی نیز، فراوان بوده است. چنانچه خانم لمیتون می‌نویسد: «..... و قسمتی از زمینهای تربت حیدریه و بعضی دهات حومه آن، از جمله: بوری آباد، منظر، ده بایین و قسمتی از حوض سرخ و دوغ‌آباد، محلات و... به خرده مالکان تعلق دارد. بعضی دهات دیگر، از جمله: نوغان، صومه و سبوخ، بعضی در دست خرده‌مالکان و برخی متعلق به عمده‌مالکان تربت حیدریه است.»^(۱۱)

براساس آمار کشاورزی در سال ۱۳۶۸، کل اراضی زیرکشت در سطح شهرستان، ۲۵۶۷۵ هکتار بوده است، که حدود ۱۳.۷ درصد اراضی زیرکشت استان را، در بر می‌گرفته است. اراضی زیرکشت آبی شهرستان، حدود ۱۹.۸ درصد اراضی آبی استان و اراضی زیرکشت دیم، فقط حدود ۵ درصد اراضی زیرکشت دیم، استان بوده است.^(۱۲)

● تعداد و توزیع واحدهای مشاع در منطقه

با این‌که، ایجاد واحدهای تعاونی مشاع، بدیندهی نو و مربوط به دهه اخیر است؛ از نظر کمی، به ویژه در مناطقی که دارای شرایط مناسب برای ایجاد این واحدها بوده‌اند، گسترش چشمگیری یافته‌اند. چنان‌که در سطح شهرستان تربت حیدریه (در آذرماه ۱۳۶۹)، ۸۸ واحد مشاع دایر، وجود داشته که تعداد اعضای آنها بین ۸ تا ۲۴ نفر، متغیر بوده و به طور متوسط، هر واحد دارای ۱۸/۵ نفر عضو بوده است. در مجموع، حدود ۱۶۵۲ خانوار، تحت پوشش این واحدها بوده‌اند. توزیع و استقرار واحدهای مشاع در سطح شهرستان بیشتر در ارتباط با وجود اراضی

موات می‌باشد. استقرار این واحدها، بیشتر در اراضی درجه ۳ و بالاتر و به طور کلی، در زمینهایی که قابلیت کمتری برای کشاورزی دارند یا استفاده از آنها، احتیاج به سرمایه‌گذاری فراوان و هزینه‌های سنگین آماده‌سازی دارد، بوده است.

الف - بررسی ویژگیهای اجتماعی واحدهای تعاونی مشاع

● تعداد جمعیت

خانوارهای عضو این واحدها، حدود ۲/۵ درصد کل خانوارهای روستایی شهرستان را شامل می‌شده‌اند، که از بین خانوارهای عضو، تعدادی به عنوان نمونه، مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

● سن اعضا

متوسط سن اعضا، حدود ۴۲ سال و حداقل و حداکثر سنی این افراد بین ۲۶ تا ۸۵ سال بوده است.



با توجه به این که میزان مهاجرت و تحرک افراد و همچنین میزان مقاومت افراد در پذیرش تغییر، تا حد زیادی بستگی به میزان سن دارد، میانگین سنی نسبتاً بالای افراد عضو مشاع، نشان می‌دهد که ایجاد این واحدها، تأثیر چندانی بر جریان مهاجرت دایم افراد از روستا به شهر نداشته است. در عین حال، واگذاری اراضی بر مهاجرتهای فصلی یا روزانه افراد عضو به خارج از روستا تأثیر قابل توجهی داشته است.

● وضعیت سواد اعضا

نتایج بررسیهای انجام شده، نشان می‌دهد که افراد عضو مشاع از سطح سواد پایینی برخوردار بوده‌اند. به طوری که در نمونه‌های مورد مطالعه، حدود ۴۰ درصد افراد عضو، بیسواد مطلق، ۲۶ درصد آنها فقط سوادی در حد خواندن و نوشتن، ۲۹ درصد

اعضای تحصیلات ابتدایی و فقط ۵ درصد اعضا، تحصیلاتی در حد راهنمایی و متوسط داشته‌اند. این امر با اهداف تشکیل واحدها، یعنی بکارگیری شیوه‌های نوین و جدید کشاورزی مغایرت دارد و یکی از دلایل عمده عدم موفقیت واحدهای مشاع، می‌تواند باشد.

● بعد خانوارهای عضو مشاع

متوسط بعد خانوار در بین اعضای واحدهای مشاع ۷/۲ نفر بوده است که از متوسط تعداد نفرت خانوارهای روستایی در سطح شهرستان، بالاتر بوده است. حال اگر رابطه مستقیم، میان رشد جمعیت با سطح فقر و بیسواد را قبول داشته باشیم، این امر که اکثریت خانوارهای عضو مشاع، از فقیرترین خانوارهای روستایی بوده‌اند، مشخص می‌گردد. بنابراین، واگذاری اراضی به آنها، از نظر برقراری عدالت اجتماعی و کاهش نابرابریهای اقتصادی و اجتماعی در سطح جامعه روستایی، عمل مفیدی بوده است. منتهی از دیدگاه اقتصادی و دستیابی به تولید انبوه، در زمینه کشاورزی و رسیدن به خودکفایی، با توجه به هزینه‌گزار بهره‌برداری در این واحدها و نیاز به سرمایه‌گذاری فراوان، واگذاری اراضی به شیوه کنونی، نمی‌تواند اهداف مورد نظر در زمینه کشاورزی را برآورده نماید.

● وضعیت شغلی افراد عضو

از کل افراد مورد مطالعه، فقط ۵۱ درصد به کشاورزی می‌پرداخته‌اند و ۴۹ درصد اعضا، علاوه برزراعت به مشاغل جنبی نیز، می‌پرداخته‌اند. از این تعداد، ۲۰ درصد به دامداری، ۱۹ درصد به کارگری، ۲/۵ درصد به مشاغل دولتی و ۷/۵ درصد به قالی‌بافی اشتغال داشته‌اند. البته، به دلیل ناکافی بودن درآمد کشاورزی، ناچار به پرداختن به سایر مشاغل در کنار کشاورزی بوده‌اند. در عین حال، تشکیل این تعاونیها، تأثیر قابل توجهی بر ساخت شغلی افراد عضو داشته است. چنان که بررسی شغل قبلی اعضا نشان می‌دهد، ۴۳ درصد آنان شامل کشاورزان کم‌زمین، دهقانان و کارگران کشاورزی، ۲/۵ درصد دامدار، ۴۱ درصد کارگر روزمزد و ۱۲/۵ درصد قالیباف بوده‌اند. تشکیل تعاونیهای مشاع، تأثیر زیادی، بویژه در کاهش کارگران روزمزد از ۴۱ درصد به ۱۹ درصد و در نتیجه، کاهش

مهاجرتهای روزانه و فصلی در بین اعضا داشته است.

ب - ویژگیهای اقتصادی واحدهای تعاونی مشاع

■ عوامل نهادهای کشاورزی در واحدها زمین

زمین یکی از عوامل عمده در تولید کشاورزی و شاید مهمترین عامل، در تشکیل واحدهای تعاونی مشاع و مهمترین انگیزه برای اعضای این واحدها، در پیوستن به تعاونیهای مشاع می باشد. متوسط تعداد اراضی واگذار شده به هر فرد عضو مشاع، در سطح شهرستان، حدود $7/3$ هکتار بوده است که وسعت اراضی واگذار شده به هر فرد، قابل توجه است و آنان را از نظر مقدار زمینی که در اختیار دارند، در ردیف کشاورزان متوسط قرار می دهد. شاید، مقایسه وسعت اراضی افراد عضو مشاع، با سایر اراضی کشاورزی، چندان هم صحیح نباشد. همانگونه که وسعت اراضی در دو منطقه آب وهوایی مختلف است و مفاهیم متفاوتی دارند و نمی توان آنها را با هم مقایسه کرد، اراضی کشاورزان عضو مشاع با کشاورزان غیرعضو را نیز، در بسیاری از موارد، نمی توان باهم مقایسه کرد. چرا که، این زمینها اغلب نامناسب هستند و برای بازسازی و بهسازی به هزینه سنگینی نیاز دارند. همین امر، باعث شده است که هر فرد، فقط از قسمتی از زمین دریافتی استفاده کند. مسأله دیگر، در مورد این اراضی، تقطیع آنها می باشد. که نه تنها بر خلاف اصول اولیه تشکیل این واحدها، اراضی بین افراد عضو تقسیم شده، بلکه اراضی هر فرد نیز، به قطعات متعدد و پراکنده تقسیم و عملاً این واحدها نیز، به کشاورزی خرده مالکی تبدیل شده اند. تعداد قطعات زمین هر عضو، به طور متوسط $4/1$ قطعه بوده است. مسائل دیگری، از جمله: موقعیت نامناسب منبع آب به زمین و به وجود آمدن اختلاف در بعضی موارد بین روستاهای مجاور بر سر مالکیت زمینهای مشاع، به دلیل نامشخص بودن محدوده روستاها و برخورد مسائل عرفی با قوانین رسمی، از جمله موارد قابل بحث درباره اراضی مشاع بوده است.

■ آب

آب، یکی از مهمترین عوامل در تولید کشاورزی است، به ویژه در مناطق خشک و نیمه خشک، اهمیت

آن در کشاورزی، حتی بیش از عامل زمین می گردد. به طوری که، وجود کشاورزی در این مناطق، در ارتباط مستقیم با وجود منابع آب سطحی یا زیرزمینی بوده است که به اشکال مختلف، مورد بهره برداری قرار گرفته اند. تأمین آب واحدهای مشاع، معمولاً بوسیله حفر چاه و در بعضی موارد، احداث آب بند صورت می گیرد. در مشاعهای مورد مطالعه، عامل آب و مسائل مربوط به آن، از جمله: نوع منبع آب، میزان آبدهی منبع و مدارگردش و سهم هر یک از اعضا بررسی شده است. منبع تأمین آب هر واحد، چاه عمیقی است که در آن حفر شده است و میزان آبدهی آن، در سطح مناطق مختلف مورد مطالعه بین 4 تا 8 اینچ و به طور متوسط در سطح کل واحدها $5/6$ اینچ/ثانیه بوده است. مدار

● بررسیهای سالهای اخیر، نشان می دهد که در بیشتر دهات، مناطق شرقی و فلات مرکزی و در قسمتهایی از جنوب کشور با این که اندازه زمین کشاورزان کوچک است اما از دیرباز، بنا بر سنتن زراعی متداول، اکثر خانوارهای زارع در گروههایی که به بنه، حرانه و صحرا مشهور است، متشکل می شده و به صورت دسته جمعی، امور کاشت، داشت و برداشت را انجام می داده اند.

گردش آب بین 9 تا 14 سهم آب اعضا بین 12 تا 24 ساعت و به طور متوسط $16/5$ ساعت متفاوت بوده است. از مسائل مطرح در مورد آب، در سطح واحدهای مشاع، کمبود آب یا کیفیت نامناسب آب، در بعضی واحدها و کاهش آبدهی یا شور شدن آن در پاره ای از واحدهاست.

● روشهای آبیاری و شیوه کشت در واحدهای مشاع

با توجه به مفاهیم متفاوت آب و خاک، در شیوههای مختلف تولید کشاورزی با سطوح تکنیک متفاوت^(۱۲) و همچنین تفاوت در سطح بهره برداری از آب و خاک و میزان تولید و درآمد کشاورزی در

روشهای مختلف بهره برداری کشاورزی در مطالعه واحدهای مشاع، سعی شده است، تا تفاوتهای احتمالی میان آن از نظر به کارگیری تکنیکها و روشهای مختلف تولید و میزان بهره برداری در هر کدام از آنها مشخص گردد. بررسیهای انجام شده، نشان می دهد که راندمان تولید محصول در واحدهای نیمه مکانیزه، در اغلب محصولات، بیش از واحدهایی است که به صورت سنتی اداره می شوند.

با وجود این که، سطح مکانیزاسیون در آنها پایین بوده و فقط از نظر کشت یکپارچه و استفاده از روشهای آبیاری جدید و در بعضی موارد، در به کارگیری ماشین آلات بیشتر، با واحدهای سنتی تفاوت داشته اند، نتیجه ای که از این بحث می توان گرفت، اهمیت استفاده از روشها و فنون جدید، در تولید کشاورزی در جهت افزایش تولید کشاورزی و استفاده مناسب از آب و خاک با به کارگیری این روشهاست. چنان که با وجود به کارگیری ناقص روشهای جدید در تولید کشاورزی، در پاره ای از واحدهای مشاع، بازم این تکنیکها و فنون جدید بهره برداری کشاورزی، کارایی خود را به خوبی نشان می دهند.

● ماشین آلات

در بررسی وضعیت ماشین آلات، مشخص شد که در سطح مشاعهای مورد مطالعه، به استثنای تراکتور و موتور پمپ، عملاً ماشین آلات دیگری که متعلق به واحد و در اختیار آن باشد، وجود نداشته است و حتی باین که اغلب واحدهایک دستگاه تراکتور مشاع دریافت کرده اند، تعداد زیادی از این واحدها، بدلیل مختلف از جمله اختلاف بر سر مالکیت یا طرز اداره آن، نتوانسته اند، همان یک دستگاه تراکتور را نیز حفظ نمایند.

● کود و سم

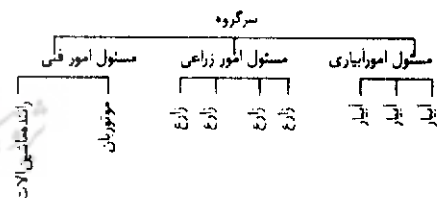
میزان استفاده از این نهادهای، در سطح واحدهای مشاع، به عوامل مختلف، از جمله: نوع زمین، نوع محصول، شیوه کشت و به ویژه توان مالی افراد بستگی داشته، متوسط میزان کود مورد استفاده در این واحدها، 400 کیلوگرم در هکتار بوده است که در مقایسه با 215 (۱۳) کیلو کود مصرفی در هکتار، در زمینهای غیرمشاع، میزان بالاتری را نشان می دهد و این امر، به دلیل نامرغوب بودن اراضی مشاع می باشد.

به نحوی که در بخشی از این زمینها، برداشت محصول، فقط به مدد استفاده گسترده از کود و سم و آب فراوان میسر است.

● مدیریت در واحدهای مشاع

امروزه، در نگاه زمسه‌های تولیدی، مدیریت و سازمان‌دهی، به عنوان یکی از عوامل تولید، در نظر گرفته می‌شود و نقش مدیریت صحیح در تولید، کاملاً شناخته شده است. در سطح واحدهای مشاع نیز، در صورت وجود سازمان مناسب، کارآمد و با مسئولیت‌پذیری مناسب، بسیاری از مسائلی و مشکلات موجود، گریبانگیر این واحدها نمی‌شود. چنان‌که در واحدهای تعاونی سنتی، این نظام و سازمان کار وجود داشته و هر یک از افراد، به جایگاه خود در گروه و وظایفی که داشته‌اند و قبلاً بدو، و نسبت به رعایت قوانین و مقررات گروهی، به شدت ستم‌های قوی، که در صورت سکسین آن، از جانب گروه و حتی جامعه، مورد مواخذه قرار می‌گرفته‌اند، مزه بوده‌اند.

مشخصات و کارایی فردی جایگاه هر فرد در گروه و وظایفی وی در تولید گروهی به طور رسمی مشخص و از ابتدا هر فرد حداقل برای یک دوره معین، تحت عنوان وظیفه و سمتی خاص در گروه پذیرفته شود. در همین حال، هر فرد باید ملزم به انجام وظایف محوله باشد و مدیریت گروه، باید دارای قدرت اجرایی باشد. سازمان گروهی پیشنهادی برای تعاونیهای مشاع:



در سازماندهی گروههای مشاع و به کارگیری الگوهای مختلف سازمانی، باید به تفاوت‌های منطقه‌ای و شرایط اجتماعی و اقتصادی حاکم و به طور کلی چشم انداز جغرافیایی هر منطقه نیز، توجه داشت.

● بررسی اقتصادی تولید در واحدهای مشاع

در بررسی اقتصادی یک پدیده از دیدگاه جغرافیا،



می‌باشد.

در بین محصولات کشت شده، در واحدهای مشاع در سطح شهرستان، از نظر کل درآمد یا درآمد ناخالص؛ زعفران، زیره و پنبه، بالاترین درآمد ناخالص در هکتار را داشته‌اند و پایین‌ترین درآمد ناخالص در هکتار نیز، مربوط به گندم و جو بوده است. بنابراین، زعفران، زیره و پنبه نسبت به سایر محصولات کشت شده، محصولات درآمدزایی بوده‌اند که در صورت کاهش هزینه تولید این محصولات، که نسبت به سایر محصولات بالاتر است و با توجه به قابلیت درآمدزایی که این محصولات دارند، می‌توانند نقش مهمی در افزایش درآمد کشاورزان عضو مشاع ایفا نمایند. بالاترین هزینه تولید محصول در هکتار نیز، به ترتیب مربوط به زعفران، زیره و چغندر و کمترین هزینه تولید در هکتار، مربوط به جو و گندم بوده است. از نظر متوسط درآمد خالص محصول در هکتار، در سطح شهرستان، بالاترین درآمد خالص، مربوط به پنبه و پس از آن به ترتیب زیره، جو، جالیز و گندم بوده است. در بررسی هزینه و درآمد محصولات در سطح واحدهای مشاع شهرستان، تفاوت‌های مکانی زیادی تحت تأثیر عوامل و شرایط جغرافیایی وجود داشته است.

● درآمد خانواده‌های مشاع، از طریق کشت محصولات

مهمترین سهم در درآمد کشاورزی خانوارهای

بعاد اقتصادی آن، در رابطه با مکان و روابط و تأثیرات متقابل محیط جغرافیایی و پدیده مورد نظر، بررسی می‌شود. با عنایت به این امر، در بررسی اقتصادی تولید در سطح واحدهای مشاع، ابتدا کلیت و ابعاد موضوع و پراکنگی آن مورد توجه قرار می‌گیرد، تا وسعت و اهمیت آن، به عنوان یک پدیده نو در فضای جغرافیایی و میزان تأثیر و تأثر آن بر محیط و تفاوت‌های مکانی آن مشخص شود.

● وسعت و سطح زیرکشت واحدها

متوسط وسعت اراضی واحدها، ۱۳۷/۵ هکتار و سطح زیرکشت واحدها، به طور متوسط، ۴۷ درصد وسعت اراضی بوده است. متوسط اراضی زیرکشت هر خانوار، حدود ۳/۵ هکتار بوده که در سطح مناطق مختلف شهرستان، تفاوت‌هایی وجود داشته که تحت تأثیر دو دسته عوامل، از جمله: عوامل جغرافیایی یا شرایط مناسب کشت محصول و عوامل اقتصادی یا میزان درآمدزایی هر محصول و بازده اقتصادی آن، بوده است. به استثنای گندم و جو، که در اکثر واحدها کشت می‌شده و کمتر تحت تأثیر عوامل محیطی و اقتصادی در سطح مناطق مختلف، دارای شدت و ضعف بوده‌اند، میزان عملکرد محصولات در واحد سطح، در واحدهای مشاع، نسبت به کشاورزی غیرمشاع، در اغلب محصولات، میزان پایین‌تری را نشان می‌دهد که به دلیل شرایط نامناسب تر کشاورزی در این واحدها، از جمله خاک نامناسب

● به طور کلی، واحدهای بهره‌برداری مشاع، گونه‌ای تعاونی تولید است که در آن زمین مشترکاً، در اختیار گروهی از افراد قرار داده می‌شود، تا به طور دسته جمعی، تحت سازمانی معین، از آن بهره‌برداری نمایند و محصول یا عواید سالیانه آن نیز، به نسبت کار و حصه‌ای که اعضاء از زمین و سایر عوامل دارند، تقسیم می‌شود.

مورد مطالعه را به ترتیب: سه محصول عمده جو، گندم و چغندر داشته‌اند. هر چند از نظر متوسط درآمد خالص، نسبت به پنبه، درآمد کمتری را نشان می‌دهند، ولی به دلیل گستردگی و عمومیت کشت این محصولات، سهم عمده‌ای از درآمد خانوار کشاورز را در تمام واحدها تشکیل می‌دهد. نتیجه‌ای که از این بررسی بدست آمد، این که در اکثر خانوارهای عضو مشاع، درآمد حاصله از طریق کشاورزی در حدی نبوده‌است، که بتواند معاش خانوار را تأمین نماید. اغلب این خانوارها، دارای مشاغل جنبی، از جمله: دامداری، قالی‌بافی و کارگری بوده‌اند. اگر متوسط درآمد افراد، از طریق کشاورزی در تعاونیه‌های مشاع را، با متوسط درآمد غیرزراعی این افراد در سطح شهرستان، مقایسه کنیم، می‌بینیم که حدود نیمی از کل درآمد خانوارها (۴۷ درصد آن)، از طریق فعالیتهای غیرزراعی، حاصل شده است. این امر، یعنی پرداختن به فعالیتهای جانبی، هر چند به افزایش درآمد خانوارها و تأمین معاش آنها کمک کرده است، ولی یکی از موانع عمده، در تولید گروهی و کشاورزی مشاع بوده‌است.

● دلایل عدم همکاری افراد در واحدهای مشاع

یکی از اهداف عمده در تشکیل تعاونیه‌های مشاع، ایجاد واحدهای تولید کشاورزی، به صورت یکپارچه و باشیوه تولید گروهی و همکاری جمعی بوده است. تا به این وسیله، علاوه بر جلوگیری از تقطیع اراضی، زمینهای لازم برای ایجاد کشاورزی گسترده و نوفرهم گردد. اما در عمل، به دلایل مختلف، نه تنها تولید گروهی و یکپارچه در سطح این واحدها به

تحقق نییوست؛ بلکه، در بسیاری از واحدها، افراد عضو، اقدام به تفکیک و تقسیم اراضی بین خود نموده و به صورت انفرادی، به کشت و کار پرداخته‌اند. دلایل عمده عدم همکاری بین افراد عضو مشاع، در زمینه تولید گروهی، در واحدهای مورد مطالعه، با توجه به میزان اشاره اعضاء به هر یک از موارد، به ترتیب اولویت به شرح زیر بوده است:

۱- عدم وجود هماهنگی بین اعضاء: تفاوت‌های زیادی از نظر اجتماعی، اقتصادی، توان مالی، خصوصیات فردی و روانی، سن و سواد بین افراد گروهها وجود داشته است که باعث ایجاد اختلاف فکر و سلیقه و در نتیجه، افزایش ناهماهنگی و ناسازگاری افراد گروه و از هم پاشیدگی آن گردیده است.

۲- عدم وجود امکانات برای کشت گسترده و کشاورزی مکانیزه

۳- عدم آشنایی عده‌ای از اعضا با کشاورزی به طور اخص و عدم آشنایی با کشاورزی مکانیزه و فنون جدید کشت به طور اعم.

۴- اشتغال به کارهای غیرکشاورزی، کم‌کاری و عدم حضور و عدم همکاری تعدادی از اعضاء در همه زمینها.

۵- درآمد پایین فعالیتهای کشاورزی و ناکافی بودن آن، برای تأمین معاش خانوار عضو.

۶- عدم وجود یک مدیریت یا سازماندهی مناسب، برای تقسیم کار و الزام اعضاء، به انجام وظایف محوله.

۷- عدم اعتقاد به کار گروهی، به دلیل نداشتن تجربه در این زمینه و اعتقاد به کار بیشتر و تولید بیشتر به صورت انفرادی و در حقیقت، تمایل افراد به تصاحب زمین، با توجه به جنبه‌های روانی و اجتماعی مالکیت زمین.

● نتیجه‌گیری و پیشنهادات

بدون شک، تشکیل واحدهای تعاونی مشاع، یکی از مهمترین تحولات در زمینه کشاورزی، در سالهای اخیر، می‌باشد، که صرف‌نظر از جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی قضیه، حداقل از بعد کمی، جایگاه مهمی در کشاورزی یافته است. با تشکیل این واحدها، به میزان قابل توجهی، بر اراضی کشاورزی و زیر کشت در سطح کشور اضافه گردیده است و عده کثیری از خانوارهای روستایی و کشاورز به

زمین زراعی دسترسی یافته یا در این بخش، اشتغال یافته‌اند. بنابراین، از دید کمی، تشکیل واحدهای تعاونی مشاع، سهم عمده‌ای در تحولات کشاورزی دهه اخیر داشته است. اما بیان کمی قضیه و میزان موفقیت در این زمینه، شاید یکی از جنبه‌های جزئی در تشکیل این واحدها باشد. آنچه مسلم است، تعاونیه‌های مشاع به عنوان نظامی نو در بهره‌برداری کشاورزی مطرح است و در این برهه از زمان که کشاورزی به تحول اساسی نیازمند است و حلال وجود نظامی جدید در آن که بتواند، از سویی جوابگوی نیازهای مصرفی و از سوی دیگر، منطبق با نظام اجتماعی و اقتصادی کشور باشد، احساس می‌شود.

تعاونیه‌های مشاع، در صورت موفقیت، می‌توانند به عنوان یک نظام بهره‌برداری جدید در کشاورزی، این حلال را بر کنند. اما این که تشکیل تعاونیه‌های مشاع، از دید کیفی، تا چه حد توانسته‌اند، مؤثر باشند و نارسائیهای اقتصادی و اجتماعی موجود در کشاورزی را حل نماید و تا چه حد، به اهداف اولیه خود دست یافته‌اند و در ایجاد نظامی نوین و قابل قبول، در زمینه بهره‌برداری کشاورزی، به عنوان یک نظام بهره‌برداری نو، موفق بوده‌اند، نیاز به مطالعات گسترده‌تری در این زمینه دارد و شاید نتوان، با مطالعه آن در یک منطقه خاص، به یک نتیجه کلی و فراگیر دست یافت.

اما آنچه مسلم است، این که واحدهای تعاونی مشاع، در طول حیات خود، با مسائل و مشکلات زیادی روبرو بوده‌اند که علاوه بر کاهش کارایی و موفقیت این واحدها، ادامه موجودیت بسیاری از آنها را به خطر انداخته است. شاید، این امر به دلیل ویژگی خاص مسائل کشاورزی و چشم‌انداز گسترده آن باشد. بدین معنی که در کشاورزی، به حکم این که عوامل سازنده متعدد و متغیرهای گوناگون در آن دخالت دارد و به عبارت دیگر، به دلیل این که در کشاورزی عوامل مختلف از جمله طبیعت انسان، تفکیک و مدیریت در ارتباط مستقیم با یکدیگر قرار می‌گیرند و روابط متقابل این عوامل در هر مکانی به کشاورزی آن شکل می‌دهد، هر گونه طرح کلی و فراگیر در زمینه کشاورزی، که در برگزیده تحولات گسترده در زمینه کشاورزی باشد، نیاز به دیدی همه جانبه به عوامل و

● آنچه مسلم است. تعاونیهای مشاع به عنوان نظامی نو در بهره‌برداری کشاورزی مطرح است و در این برهه از زمان که کشاورزی به تحول اساسی نیازمند است و خلاء وجود نظامی جدید در آن که بتواند، از سویی جوابگوی نیازهای مصرفی و از سوی دیگر، منطبق با نظام اجتماعی و اقتصادی کشور باشد. احساس می‌شود.



توجه به شرایط موجود و عدم امکان حل سریع مسائل مطرح در مورد زمین، در حال حاضر، باید انجام کشت با کیفیت بهتر و دقت بیشتر در اراضی محدودتر و افزایش راندمان، در واحد سطح به جای افزایش سطح زیر کشت و انتخاب محصولات مناسبتر که با شرایط محیطی انطباق بیشتری داشته باشند، مورد توجه قرار گیرد.

۲- در مورد آب نیز، واحدهای مشاع با مسائل مختلفی از جمله کمبود آب، کیفیت نامناسب آب، کاهش آبدهی چاهها و به هدر رفتن آب، روبرو بوده‌اند. در این زمینه، با توجه به محدودیتهای فراوان در زمینه تأمین آب کشاورزی، توسعه کشت محصولاتی که به آب کمتری نیاز داشته باشند و جلوگیری از کشت محصولاتی که به آبیاری فراوان نیاز دارند و در عین حال انتخاب محصولاتی که با نوع و کیفیت آب از جمله سوری آن سازگاری بیشتری داشته باشند، باید مورد توجه قرار گیرد. روشن است که با توجه به شرایط محیطی و تفاوت‌های مکانی، الگو و نوع کشت، برای مناطق مختلف متفاوت خواهد بود.

۳- اجرای هیچ برنامه‌ای در سطح واحدهای مشاع، بدون توجه کامل افراد عضو و دادن آگاهی کافی در هر زمینه به آنها موفق نخواهد بود. بنابراین، به منظور بالا بردن سطح آگاهی کشاورزان عضو مشاع در زمینه تولید گروهی، برگزاری دوره‌های آموزشی به صورت

زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و تفاوت‌های منطقه‌ای مؤثر در کشاورزی و به طور کلی نگرش یک جانیه و محدود، نسبت به فضیه، نتوانسته‌است، انتظارات لازم را برآورده سازد. در حالی که بررسی میدانی حدود صد واحد مشاع، نشان می‌دهد که بسیاری از مسائل گریبانگیر این واحدها، در صورت مطالعه دقیق و کافی، قبل از تشکیل آنها، یا بروز نمی‌کرد یا به پیچیدگی کنونی نبود. هر چند، ممکن بود، در صورت مطالعات جامع قبلی در زمینه تشکیل واحدهای مشاع، بسیاری از آنها تشکیل نگردند و از نظر کمی تعداد کمتری از واحدها و در عین حال با مسائل و مشکلات کمتر و موفقیت بیشتر تشکیل شوند. به هر حال، آنچه در حال حاضر، مطرح است، وجود تعداد کثیری از واحدهای تعاونی مشاع با مسائل و مشکلات فراوان است، که باید برای ادامه حیات به نحوی بر مسائل و مشکلات خود فائق آیند. برای حل مسائل و کاهش مشکلات آنان در هر زمینه با توجه به شرایط محیطی در هر منطقه و شناخت کامل آنها، باید طرح و راه‌حلهای مناسب ارائه و اجرا گردند. بنابراین، در سطح منطقه مورد مطالعه و مناطق مشابه برای حل مسائل و مشکلات واحدهای مشاع، راه‌های زیر پیشنهاد می‌گردد:

۱- چنان‌که مشخص شد، در مورد عامل زمین واحدها با مسائل مختلفی از جمله کمبود زمین، کیفیت نامناسب اراضی، ناهم‌واری و ... مواجه بوده‌اند، که با

متغیرهای سازنده کشاورزی و ساخت دقیق روابط متقابل این عوامل دارد. خلاصه این‌که، با نگرش یک جانیه به مسائل کشاورزی، به ویژه مسائلی که ببار اجتماعی، اقتصادی یا سیاسی گسترده‌تری دارند، نمی‌توان یک طرح جامع و فراگیر و در عین حال موفق ارائه داد. توضیح این‌که، به صرف وجود شرایط و عوامل طبیعی مناسب یا وجود زمین و آب برای کشاورزی یا وجود نیروی انسانی یا وجود شیوه‌های بهره‌برداری مشابه، در باره‌ای - از مناطق، نمی‌توان نتیجه گرفت، که یک منطقه برای کشاورزی یا اجرای طرحی خاص در زمینه کشاورزی مناسب است. چرا که، هر چند عواملی از جمله: وجود آب، زمین یا نیروی انسانی، از شرایط لازم برای کشاورزی می‌باشند، ولی به هیچ وجه کافی نبوده‌است، و عوامل و شرایط متعدد دیگری نیز، باید در کنار همدیگر قرار گیرند، تا بتوان نتیجه گرفت، که یک منطقه برای کشاورزی یا چه نوعی از کشاورزی مناسب است.

بنابراین، هر چند طرح تشکیل تعاونیهای مشاع، می‌توانست به عنوان یک نظام نو و در عین حال منطبق با ساختار کشاورزی سنتی، تحولی عظیم در کشاورزی ایجاد نماید و نظامی جدید در کشاورزی که از سویی تأمین نیاز مصرفی کشور و از سوی دیگر، تحول فنی و تکنیکی در آن را به همراه داشته باشد، برقرار سازد، ولی به دلیل عدم توجه به تمامی عوامل و متغیرهای مؤثر در کشاورزی و عدم مطالعه کافی در



متناب در سطح دهستان یا شهرستان ضروری است. ۴- عمده‌ترین مسأله مطرح در واحدهای مشاع، مسأله ماشین‌آلات و استفاده از نهاده‌ها و فنون جدید در کشاورزی و عدم سرمایه‌گذاری کافی در این زمینه بوده است. به طوری که، در این زمینه، واحدها با مسائلی از جمله کمبود شدید ماشین‌آلات و عدم آشنایی کافی با ماشین‌آلات روبرو بوده‌اند. با توجه به این که، تأمین تمام ماشین‌آلات برای هر واحد مشاع، در شرایط اقتصادی کنونی امکان‌پذیر نیست، و در صورت امکان هم، شاید مقرون به صرفه نباشد، بنابراین، وجود سازمانی که بتواند، در موقع نیاز واحدها به ماشین‌آلات، خدمات لازم را در اختیار آنها قرار دهد، بدون این که لازم باشد، هر واحد تمام ماشین‌آلات را

● **باتوجه به این که، تأمین تمام ماشین‌آلات برای هر واحد مشاع، در شرایط اقتصادی کنونی امکان‌پذیر نیست، و در صورت امکان هم، شاید مقرون به صرفه نباشد، بنابراین، وجود سازمانی که بتواند، در موقع نیاز واحدها به ماشین‌آلات، خدمات لازم را در اختیار آنها قرار دهد، بدون این که لازم باشد، هر واحد تمام ماشین‌آلات را برای خود تهیه نماید، می‌تواند مسأله ماشین‌آلات را حل نماید و نیاز به سرمایه‌گذاری در این زمینه را کاهش دهد.**

برای خود تهیه نماید، می‌تواند مسأله ماشین‌آلات را حل نماید و نیاز به سرمایه‌گذاری در این زمینه را کاهش دهد.

۵- با توجه به این که هر واحد مشاع، از تعدادی افراد تشکیل شده و طبیعتاً هر فرد دارای افکار و شیوه مخصوص به خود است، ایجاد همکاری گروهی و تولید جمعی به صرف تشکیل گروه و وجود آب و زمین میسر نمی‌گردد. تولید گروهی، نیاز به مدیریتی قوی و سازمان یافته دارد، که در آن هر فرد سبب به جایگاه

۶- ا.ک.اس. لمپتون - مالک و زارع در ایران - ترجمه منوچهر امیری - انتشارات علمی و فرهنگی - ۱۳۶۲.
 ۷- طالب مهدی - واحدهای تولید گروهی مشاع - دانشکده علوم اجتماعی - دانشگاه تهران - ۱۳۶۲.
 ۸- سازمان برنامه و بودجه - مطالعه واحدهای مشاع استان کرمان - ۱۳۶۵.
 ستاد مرکزی هیئتهای هفت نفره - مشاع - ۱۳۶۸.
 ۱۰- اداره کل کشاورزی استان خراسان - آمار نامه‌های کشاورزی سالانه استان خراسان - ۱۳۶۸.
 ۱۱- اولیویه دولفوس - فضای جغرافیایی - ترجمه سیروس سهامی - نشر نیکا، ۱۳۶۸.
 ۱۲- سازمان برنامه و بودجه استان خراسان - آمار نامه استان خراسان - ۱۳۶۸.
 ۱۳- خادم آدم ناصر - سیاست اقتصاد و کشاورزی در نظامهای مختلف و ایران - انتشارات پیشبرد - ۱۳۶۵.
 ۱۴- ملکایان عبدالحسین - پژوهشی بر نظام زمینداری و مالکیت ها، نظام بهره‌برداری و شیوه‌های تولید کشاورزی در ایران - مرکز تحقیقات روستایی، وزارت کشاورزی ۱۳۶۵.

خود شناخت داشته باشد، بنابراین، برای برقراری کشت گروهی و تولید جمعی تهیه یک چارت تشکیلاتی مشخص برای این واحدها و وجود سازمانی برای اعمال مدیریت و اجرای قوانین و مقررات طرح شده در مورد واحدهای مشاع ضروری است.

منابع مورد استفاده

۱- آلن رابن - فلسفه علوم اجتماعی - ترجمه عبدالکریم سروش - انتشارات علمی و فرهنگی - ۱۳۶۵.
 ۲- ساعدنو هوشنگ - مسائل کشاورزی ایران - انتشارات رواق.
 ۳- خسروی خسرو - آبیاری و جامه روستایی ایران - نامه علوم اجتماعی، دوره ۱، شماره ۳ - ۱۳۶۸.
 ۴- عظیمی حسن - نقش بهره‌برداران روستایی در توسعه کشاورزی - نامه علوم اجتماعی، شماره ۲ - ۱۳۵۵.
 ۵- دهخدا علی‌اکبر - فرهنگ لغت دهخدا.